

مبحث اول: معنای غنا

غنا به دو معنا استعمال می شود

۱. معنای عام غناء (معنای لغوی)

غنا عبارت است از هر آنچه به شکل آواز ادا شود. ارکان آواز عبارت است از: کشیدن صدا با برخی زیر و بم ها و فراز و فرودهای آوایی، که به آن ترجیع (۱) می گویند. (مکاسب محرمه، ج ۲۷۸، ص ۴)

توضیح: بیان مطلب گاه به نحو تکلم است ؛ مثل حرف زدن، و گاه با تکیه به صوت به نحو آواز است ؛ مثل کسی که روی منبر، با تکیه به صوت حرف می زند. یا کسی که با خودش زمزمه می کند. یا کودکی که آواز می خواند ؛ این معنای عام غنا است. (مکاسب محرمه، ج ۲۷۸، ص ۴)

۲. معنای خاص غنا (معنای عرفی)

معنای دیگر برای غنا در استعمالات رایج، آواز به نحو خاص است. آوازی که با زیر و بم، قاعده و قانون و اسلوب خاصی خوانده می شود. این هم استعمال دیگر برای غناست که معادل فارسی آن خوانندگی است ؛ مغنی یعنی خواننده، ولی به هر کسی که صدایش را بلند کند و آواز بخواند خواننده نمی گویند. (مکاسب محرمه، ج ۲۷۸، ص ۶)

این معنا نزد مردم روشن است ؛ زیرا خوانندگی و آوازخوانی مفهومی عرفی است ؛ مثلاً کسی به مؤذن، آوازخوان نمی گوید ؛ با اینکه غنای به معنای اول بر اذان هم صدق می کند. همچنین مردم کسی که قرآن را با صوت معمولی یا با زمزمه می خواند، آوازخوان نمی گویند. بنابراین غنای به معنای دوم، بر این نحو خواندن صدق نمی کند، اما معنای اول بر آن صدق می کند ؛ چون دارای ترجیع است. پس این دو معنا به این کیفیت قابل تفکیک از هم است. (مکاسب محرمه، ج ۲۷۹، ص ۳)

آنچه محل بحث است غنای به معنای دوم است. (مکاسب محرمه، ج ۲۸۰، ص ۳)

به دلیل اینکه غنا، اگرچه به معنای لغوی هم استعمال می شود، اما در استعمال رایج عرف، جز معنای دوم به ذهن متبادر نمی شود ؛ یعنی این معنای دوم، آن قدر در بین مردم و استعمالات مردم رایج است که وقتی این کلمه به کار می رود، ذهن مستمع اصلاً به آن معنای اصلی متوجه نمی شود. (مکاسب محرمه، ج ۲۸۳، ص ۸)

[۱]. ترجیع به معنای چهچه زدن نیست. بلکه به معنای تکان دادن صدا در حلق و حنجره است. گاهی انسان صدا را بدون ترجیع و یکنواختی از اول تا آخر ادا می کند و گاهی وسطش را تکانی می دهد و فراز و فرودی به صدا می دهد. این ترجیع است. (مکاسب محرمه، ج ۲۷۷، ص ۱۰، س ۵۷۰ ج ۲۷۸، ص ۴، س ۱۲)